

جایگاه رسانه‌ها در ارتباطات سیاسی

PROPAGANDA



منبع: میرعابدینی، احمد. فصلنامه رسانه، سال هشتم، شماره یک، بهار ۱۳۷۶، ص ۵

سازمان‌های سیاسی

- احزاب
- سازمان‌های عمومی
- گروه‌های فشار
- سازمان‌های تروریستی
- دولت‌ها

گرایش‌ها
سرمقاله‌ها
تفسیرها
تحلیل‌ها

رسانه‌ها

گرایش‌ها
سرمقاله‌ها
تفسیرها
تحلیل‌ها

درخواست‌ها
برنامه‌ها
آگهی‌ها
روابط عمومی‌ها
نامه‌ها و نظرهای عمومی

شهروندان

رسانه‌ها و ثبات سیاسی

▶ چهار تأثیر عمده رسانه‌ها بر ثبات سیاسی عبارتند از:

الف) تغییر و تحول خواست‌های شهروندان

ب) تغییر و تحول در کارویژه‌های دولتی

ج) تغییر در انسجام ایدئولوژیک

د) تغییر در الگوی ثبات سیاسی

الف) تغییر و تحول خواست‌های شهروندان

▶ اولین عامل محاسباتی در معادله بیان شده برای تعیین میزان ثبات سیاسی در هر کشوری، مجموع خواست‌های شهروندان است که رسانه‌ها می‌توانند به شیوه‌های گوناگون با ایجاد تغییر در گستره و یا اولویت هر خواست، نقش تعدیلی و یا شتاب دهنده ایفاء کنند.

1. شتاب بخشی: رسانه‌ها با اجرای کارویژه‌هایی همچون بررسی و نقد، تحقیق و تفحص و یا اطلاع رسانی مناسب می‌توانند تصورات تازه‌ای را از زندگی و سیاست نزد مخاطبان خود ایجاد کنند که دولت‌ها را موظف به برآورده‌سازی آن‌ها می‌کند.

2. تعدیل: رسانه‌ها می‌توانند با نظارت مؤثر خود بر امور و رفتارهای سیاسی در کشور نقش تعدیلی خود را با تحدید و یا حتی کاهش میزان خواست‌های مختلف شهروندان به نمایش بگذارند، بدین ترتیب که می‌توانند توقعات را با بیان واقعیت‌ها تعدیل کنند. (افتخاری، ۱۳۸۰)

ب) تغییر و تحول در کارویژه‌های دولتی

▶ متحول‌سازی تصویر مردم از کارایی نظام سیاسی: رسانه‌ها می‌توانند تصویر مردم از میزان کارایی دولت را دستخوش تغییر کنند و متحول سازند. در اینجا شاهد تفاوتی بین واقعیت‌ها و تصویرها هستیم. بدین معنا که چه بسا رسانه‌ها بتوانند واقعیت‌ها را بهتر و یا بدتر از آن چه هستند، برای مردم به نمایش بگذارند که در هر دو حالت می‌تواند تأثیر مستقیمی بر ثبات سیاسی داشته باشد. از این منظر دادن تصویری مثبت از کارویژه‌های دولت در کلیه الگوها ممکن است عاملی در تثبیت وضعیت سیاسی و ارائه تلقی‌ای منفی از آن و زمینه‌ساز بروز بی‌ثباتی سیاسی شود.

ج) تغییر و تحول در انسجام ایدئولوژیک

▶ نحوه برخورد رسانه‌ها با باورها و اعتقادات شهروندان و کارگزاران، تأثیر به‌سزایی در نتیجه‌ی معادله ثبات سیاسی در هر جامعه می‌تواند داشته باشد. هر گونه برخوردی که در نهایت به بی‌اعتمادی مردم به ارزش‌ها و روی‌گردانی آن‌ها منجر شود، می‌تواند تلاش‌های رسمی دولت را از ارزش واقعی‌اش دور سازد و حتی دولت‌های کارآمد را با خطر بی‌ثباتی مواجه کند. در جهت عکس آن تقویت انسجام ایدئولوژیک و طرح مناسب و متناسب با باورها، می‌تواند به جبران کاستی‌های احتمالی کمک کند و ثبات را در جامعه حفظ کند. این عملکرد چنانچه به شکل ایجابی صورت پذیرد، برای کل الگوها مثبت ارزیابی می‌شود و عاملی در جهت حفظ ثبات سیاسی و یا ایجاد آن به‌شمار می‌آید و اگر به‌صورت سلبی ایجاد شود منجر به زوال سیاسی و یا تشدید بی‌ثباتی در کشور خواهد شد. از این پدیده با نام تقویت وجدان جمعی نیز یاد شده است.

(د) تغییر و تحول در الگوی ثبات سیاسی

▶ رسانه‌ها می‌توانند در کنار سایر بازیگران سیاسی، با تلاش در زمینه تحقق الگویی تازه از ثبات سیاسی، به کل جامعه خدمت کنند. به عبارت دیگر چه بسا جامعه در ظاهر به خاطر حاکمیت الگوی ثبات سیاسی، نوعی ثبات سیاسی را بیازماید ولی چون این الگوها پایدار نیستند، رسانه‌ها می‌توانند با اعمال حق نظارت خود، آن‌ها را به نمایش بگذارند و زمینه‌ی خروج از این الگوها و حاکمیت الگوی ثبات سیاسی پویا را فراهم سازد. در این حالت است که فعالیت‌هایی از قبیل بررسی، نقد و تجزیه و تحلیل خواست‌ها و کارویژه‌ها به منظور شتاب بخشیدن به هر دوی آن‌ها، اگرچه در وهله اول نوعی از بی‌ثباتی را دامن‌گیر جامعه می‌کند، ولی از آن حیث که در نهایت الگوی ثبات سیاسی پویا را حاکم می‌سازد، مثبت ارزیابی می‌شود.

(د) تغییر و تحول در الگوی ثبات سیاسی (ادامه)

- ▶ بدیهی است که شکست در هدایت مؤثر فرایند انتقال، به معنای از کف دادن ثبات سیاسی موقت قبلی و افتادن در دام الگوهای بی‌ثباتی سیاسی خواهد بود که روی دیگر عملکرد رسانه‌ها را تشکیل می‌دهد.
- ▶ نتیجه آنکه، اعمال نظارت رسانه‌ای می‌تواند در چهار حوزه‌ی «خواست‌ها»، «کارکردها»، «انسجام ایدئولوژیک» و «سرانجام «نوع الگوی ثبات سیاسی»، در کشور تأثیراتی داشته باشد. این تأثیرات با توجه به الگوهای مختلف ثبات و بی‌ثباتی و این که جامعه در چه مرحله‌ی از بی‌ثباتی یا ثبات است، مثبت و یا منفی ارزیابی می‌شود.